

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان

بسم الله الرحمن الرحيم

این روز بزرگ را به همه‌ی منتظران و همه‌ی عاشقان و همه‌ی موالیان اهل بیت، بخصوص شما برادران و خواهران عزیزی که در این جا تشریف دارید، تبریک عرض میکنم.

در حقیقت ولادت این بزرگوار یک عید حقیقی است؛ لذا بزرگداشت خاطره‌ی این روز و این ساعت هرگز از یاد معتقدان به مهدویت نخواهد رفت. فقط مردم شیعه نیستند که منتظر مهدی موعود (سلام الله علیه) هستند، بلکه انتظار منجی و مهدی، متعلق به همه‌ی مسلمانهاست. فرق شیعه با دیگران این است که شیعیان آن منجی را با نام و نشان، با خصوصیات گوناگون میشناسند؛ اما دیگر مسلمانان که به منجی هم معتقدند، منجی را نمیشناسند؛ تفاوت، این جاست؛ و الا اصل مهدویت مورد اتفاق همه‌ی مسلمانهاست. ادیان دیگر هم در اعتقادات خودشان، انتظار منجی را در نهایت زمانه دارند؛ آنها هم در یک بخش از قضیه، مطلب را درست فهمیده‌اند؛ اما در بخش اصلی قضیه که معرفت به شخص منجی است، دچار نقص معرفتند. شیعه با خبر مسلم و قطعی خود، منجی را با نام، با نشان، با خصوصیات، با تاریخ تولد، میشناسد. نکاتی در اعتقاد به مهدویت هست، که من به اجمال آنها را عرض میکنم:

یک نکته این است که وجود مقدس حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) استمرار حرکت نبوت‌ها و دعوت‌های الهی است از اول تاریخ تا امروز؛ یعنی همان طور که در دعای ندبه میخوانید، از «فبعض اسکنته جنتک» - که حضرت آدم است - تا «الی ان انتهی الامر» - که رسیدن به خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) هست - و بعد مسأله‌ی وصایت و اهل بیت آن بزرگوار، تا میرسد به امام زمان، همه، یک سلسله‌ی متصل و مرتبط به هم در تاریخ بشر است. این، بدین معناست که آن حرکت عظیم نبوت‌ها، آن دعوت الهی به وسیله‌ی پیامبران، در هیچ نقطه‌ی متوقف نشده است. بشر به پیامبر و به دعوت الهی و به داعیان الهی احتیاج داشته است و این احتیاج تا امروز باقی است و هر چه زمان گذشته، بشر به تعالیم انبیا نزدیکتر شده است. امروز جامعه‌ی بشری با پیشرفت فکر و مدنیت و معرفت، بسیاری از تعالیم انبیا را - که ده‌ها قرن پیش از این، برای بشر قابل درک نبود - درک کرده است. همین مسأله‌ی عدالت، مسأله‌ی آزادی، مسأله‌ی کرامت انسان - این حرفه‌هایی که امروز در دنیا رایج است - حرفه‌های انبیاست. آن روز عامه‌ی مردم و افکار عمومی مردم این مفاهیم را درک نمیکردند. پیدری آمدن پیغمبران و انتشار دعوت پیغمبران، این افکار را در ذهن مردم، در فطرت مردم، در دل مردم، نسل به نسل نهادینه کرده است. آن داعیان الهی، امروز سلسله‌شان قطع نشده است و وجود مقدس بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) ادامه‌ی سلسله‌ی داعیان الهی است، که در زیارت آل یاسین میخوانید: «السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته». یعنی شما امروز همان دعوت ابراهیم، همان دعوت موسی، همان دعوت عیسی، همان دعوت همه‌ی پیغمبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم را در وجود حضرت بقیه الله مجسم میبینید. این بزرگوار، وارث همه‌ی آنهاست و دعوت و پرچم همه‌ی آنها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده‌اند و به بشر عرضه کرده‌اند، فرا میخواند. این، نکته‌ی مهمی است.

نکته‌ی بعدی در باب مهدویت، انتظار فرج است. انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده‌ی است. یک انتظار، انتظارِ فرجِ نهایی است؛ یعنی این که بشریت اگر میبیند که طواغیت عالم ترکتازی میکنند و چپاولگری میکنند و افسارگسیخته به حق انسانها تعدی میکنند، نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصور کند که بالاخره چاره‌ی نیست و بایستی به همین وضعیت تن داد؛ نه، بداند که این وضعیت یک وضعیت گذراست - «للباطل جولة» - و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل؛ و او خواهد آمد. انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستمها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است، لیکن انتظار فرج مصداق‌های دیگر هم دارد. وقتی به ما میگویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل گشوده شدن است. فرج، یعنی این؛ فرج، یعنی گشایش. مسلمان با درسِ انتظار، فرج میآموزد و تعلیم میگیرد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمیشود کرد؛ نه، وقتی در نهایتِ زندگی انسان، در مقابله‌ی با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشیدِ فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه‌ی انسانهاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه‌ی انسانهاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند؛ معلوم میشود انتظار، یک عمل است، بی‌عملی نیست. نباید اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی این که دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه‌ی زمینه‌ها. این، در واقع تفسیر این آیات کریمه‌ی قرآنی است که: «و نريد ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین» یا «ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین». یعنی هیچ وقت ملت‌ها و امت‌ها نباید از گشایش مأیوس شوند.

آن روزی که ملت ایران قیام کرد، امید پیدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امید برآورده شده است، از آن قیام، آن نتیجه‌ی بزرگ را گرفته است و امروز هم به آینده امیدوار است و با امید و با نشاط حرکت میکند. این نور امید است که جوان‌ها را به انگیزه و حرکت و نشاط وادار میکند و از دل‌مردگی و افسردگی آنها جلوگیری میکند و روح پویایی را در جامعه زنده میکند. این، نتیجه‌ی انتظار فرج است. بنابراین، هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه‌ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود. اجازه ندهید یأس بر دل شما حاکم بشود، انتظار فرج داشته باشید و بدانید که این فرج، محقق خواهد شد؛ مشروط بر این که شما انتظارتان، انتظار واقعی باشد، عمل باشد، تلاش باشد، انگیزه باشد، حرکت باشد.

یک نکته‌ی دیگر در مسأله‌ی مهدویت این است که عقیده‌ی ما این است که امام زمان (ارواح‌نفاذ) متوجه و ناظر بر رفتار و عمل ماست؛ اعمال ما بر او عرضه میشود. این جوان‌های مؤمن ما که در میدان‌های مختلف - چه در میدان معنویت و عبادت و معرفت، چه در میدان کار و تلاش، چه در میدان مبارزه و سیاست، چه در میدان جهاد؛ آن روزی که جهاد مورد احتیاج بود - این جور از خودشان اخلاص و شادابی نشان میدهند، امام زمان (سلام‌الله‌علیه) را خرسند و خوشحال میکنند. این که مردم در کشور اسلامی - حالا در کشور مسلمان ما - تلاش‌شان این است که بر اداره‌ی کشور، بر پیشرفت امور کشور نظارت داشته باشند، تصمیم بگیرند، اقدام کنند، وارد میدان بشوند؛ و میدان را رها نمیکنند که دیگران بیایند و برای آنها تصمیم بگیرند؛ اجازه نمیدهند که امتداد

خواست‌های استکباری و استعماری در داخل کشور سرنوشت آنها را معین بکند، امام زمان را خوشحال میکنند؛ امام زمان ناظر است و میبیند. انتخابات شما را امام زمان دید؛ اعتکاف شما را امام زمان دید؛ تلاش شما جوان‌ها را برای آذین‌بندی نیمه‌ی شعبان، امام زمان دید؛ حضور شما زن و مرد را در میدان‌های گوناگون، امام زمان دیده است و میبیند؛ حرکت دولتمردان ما را در میدان‌های مختلف، امام زمان میبیند و امام زمان از هر آنچه که نشانه‌ی مسلمانی و نشانه‌ی عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر میزند، خرسند میشود. اگر خدای نکرده عکس این عمل بکنیم، امام زمان را ناخرسند میکنیم. ببینید، چه عامل بزرگی است.

نکته‌ی دیگر و سخن آخر این است که جامعه‌ی بی که به مهدویت معتقد است، قوت قلب پیدا میکند. این قوت قلب برای ملت‌ها خیلی مهم است. بدانید تسلط استعمار بر کشورهای اسلامی بعد از آن بود که توی دل ملت‌ها را خالی کردند؛ آنها احساس ضعف کردند؛ احساس عدم توانایی کردند، بعد اینها آمدند و با قدرت بر آنها مسلط شدند. امروز هم همین جور است. ما در روابط سیاسی و دیپلماسی دنیا داریم جلوی چشم‌مان میبینیم که یکی از بزرگ‌ترین شگردهای استکبار جهانی این است که میخواهد دل مسؤولان کشورهای گوناگون را - حالا در کشورهای اسلامی - خالی کند و احساس بیپشتوانگی به آنها تزریق کند، تا آنها احساس کنند که چاره‌ی ندارند جز این که زیر بار مثلاً امریکا بروند. این احساس ضعف، بلای بزرگی است. ملت‌ها حرکت نمیکنند؛ چون احساس ضعف میکنند. ملت فلسطین ده‌ها سال ساکت و آرام نشسته بود؛ چون احساس میکرد نمیتواند. آن روزی که فکر توانستن در ملت فلسطین به وجود آمد، قیام کرد و با این قیام، این همه موفقیت را به دست آورده است. رنج می‌برد؛ اما دارد پیش میرود. فرق است بین ملتی که حرکتی نمیکند، سیلی هم نمیخورد؛ اما روزه‌روز عقب مینشیند؛ روزه‌روز بدبخت‌تر و زیردست‌تر میشود، دلش هم خوش است که من سیلی نمیخورم، با آن ملتی که سختی راه را تحمل میکند، پایش به سنگ میخورد، خونی هم میشود؛ اما در راه به سمت موفقیت، به سمت سرمنزل سعادت، به سمت عزت، پیش میرود. ملت فلسطین امید پیدا کرد، حالا حرکت میکند و جلو میرود و این حرکت به جلو تا هر وقت که وجود داشته باشد، باعث میشود که درهای فرج به روی آنها باز باشد؛ و راه قطعه قطعه طی خواهد شد تا ان شاء الله به هدف نهاییشان برسند. احساس ضعف برای یک ملت، خیلی احساس خطرناک و سم مهلکی است. یکی از برکات اعتقاد به مهدویت این است که انسان احساس اطمینان میکند؛ احساس قوت قلب میکند؛ احساس قدرت میکند. و ملت ما بحمدالله این‌گونه است.

ما در جبهه‌های جنگ هم جوان‌های خودمان را میدیدیم که به مدد غیبی و به توجه و نظر لطف ولیعصر (ارواح‌نافداه) اعتقاد داشتند و از همان اعتقاد و از همان قوت قلب هم استفاده میکردند و توانایی مضاعف پیدا میکردند و پیش میرفتند. البته اعتقاد به کمک غیبی اگر معنایش این است که انسان بیکار بماند، درها را ببندد و منتظر باشد که از غیب کمک بشود، بداند که از غیب هم کمکی نخواهد شد؛ «و ما جعله الله الا بشری لکم و لتطمئن قلوبکم به». کمک غیبی در میدان جنگ، در میدان چالش‌های سیاسی و در ایستادگی ملت‌هاست که به سراغ انسان می‌آید. اگر بایستید، کمک غیبی هم هست.

امروز دنیای استکبار روی نقاط قوت ملت‌ها متمرکز شده، تا آنها را از بین ببرد. البته یک جاهایی موفق میشوند، یک جاهایی هم موفق نمیشوند. از جمله‌ی جاهایی که به حول و قوه‌ی الهی موفق نشدند و موفق نخواهند شد، ملت ایران است. بحمدالله در منبر سازمان ملل و در مقابل چشم سران کشورهای جهان، رئیس‌جمهور محترم ما حرف دل ملت ایران را بیان کرد. استحکام و متانت و

قوت بیان و قوت مواضع در آن تریبون جهانی، به نیابت از ملت ایران، در مقابل چشم همه‌ی دنیا به‌دست آمد. این، معنایش چیست؟ این، معنایش این است که ملت ایران تسلیم تهدید و زور و فشار نخواهد شد؛ این، معنایش این است که ملت ایران با فشارهای بیست‌وهفت ساله‌ی از اول انقلاب تا کنون، نه فقط ضعیف نشده، نه فقط اراده‌ی او متزلزل نشده، بلکه امروز قویتر از گذشته شده است و با اراده‌ی راسخ برای پیشبرد اهداف و آرمان‌های متعالی خود - که مصالح ملی در آنهاست - همچنان مستحکم ایستاده است. اتکا به خدای متعال و اعتقاد به نگاه رثوفانه و پدران‌های حضرت بقیة‌الله (ارواح‌نافداه) به ملت، این تأثیر بزرگ را در زندگی ما و در رفتار ما دارد که ما را با قوت قلب در مقابل امواج گوناگون وادار به استقامت میکند. نمیتوانند ملت ایران را شکست بدهند. به توفیق الهی، مسؤولان کشور، دولتمردان مؤمن و صبور، با پیگیری و تلاش باید بتوانند یکی پس از دیگری مشکلات این ملت را حل کنند؛ باید بتوانند سطح علمی و عملی این کشور را آن‌چنان بالا ببرند که به کلی طمع دشمنان از این ملت و از این کشور قطع بشود.

از خداوند متعال میخواهیم که دعای حضرت بقیة‌الله (ارواح‌نافداه) را شامل حال همه‌ی ملت ایران و همه‌ی ملت‌های مستضعف جهان قرار بدهد؛ و شما مردم عزیز را روزبه‌روز به عزت خود و عزت اولیای خود عزیزتر و مقتدرتر بفرماید.

والسّلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته